

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء (س)  
سال سی و سه، دوره جدید، شماره ۵۹، پیاپی ۱۴۹، پاییز ۱۴۰۲  
مقاله علمی - پژوهشی  
صفحات ۱۱۴-۸۷

## مذاکرات ارزنه‌الروم و بروز نخستین بحث و جدل‌ها درباره اصلت و اعتبار عهدنامه زهاب (۱۲۵۹-۱۲۶۳ قمری)<sup>۱</sup>

نصرالله صالحی<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۴/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۷/۰۶

### چکیده

روابط ایران و عثمانی در طول شش سده بسیار پرافت‌وخیز بود. دو دولت برای پایان دادن به جنگ و برقراری صلح عهدنامه‌های مختلف منعقد کردند. در بین معاهدات، دو معاهده زهاب (۱۰۴۹/۱۶۳۹) و ارزنه‌الروم (۱۲۶۳/۱۸۴۷) اهمیت بسیاری دارد؛ زیرا مبنای حل و فصل اختلاف‌ها و عقد پیمان‌های بعدی بوده است. تا برگزاری کنفرانس ارزنه‌الروم (۱۲۵۹-۱۲۶۳ق)، درباره اصلت و اعتبار معاهده زهاب تردیدی ابراز نشده بود. نمایندگان ایران و عثمانی برای نخستین بار، در مجلس پنجم و بعد در چند مجلس دیگر مذاکرات ارزنه‌الروم، ضمن قبول «سندیت»<sup>۳</sup> عهدنامه، درباره «اصلت و اعتبار»<sup>۴</sup> سوادهای موجود، بحث و جدل جدی کردند. در جستار حاضر با روش توصیفی تحلیلی و با تکیه بر اسناد منتشر نشده، استدلال‌های نمایندگان طرفین درباره اصلت و اعتبار عهدنامه زهاب تبیین شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد میرزا تقی خان با اصرار بر ضرورت ارائه «اصل» عهدنامه از سوی نماینده عثمانی، «سواد»های ارائه شده از سوی او را نپذیرفت و به همین دلیل مانع از اثبات ادعاهای ارضی او در مذاکرات ارزنه‌الروم شده است.

کلیدواژه‌ها: معاهده زهاب، کنفرانس ارزنه‌الروم، میرزا تقی خان، انوری افندی، ایران، عثمانی.

۱. شناسه دیجیتال (DOI): 10.22051/hii.2023.44240.2818

۲. دانشیار گروه آموزشی تاریخ، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران: n.salehi@cfu.ac.ir

3. Authenticity

4. Originality and Validity

#### مقدمه

روابط ایران و عثمانی در طول چند سده، همواره توأم با جنگ و صلح بود. از دوره صفویه تا قاجاریه، معاهدات متعددی بین دو طرف به امضا رسید. در بین همه معاهدات، دو معاهده زهاب (۱۶۳۹/۱۰۴۹) و ارزنه‌الروم دوم (۱۸۴۷/۱۲۶۳) که مبنای معاهدات و پیمان‌های بعدی شد، بسیار مهم و تعیین‌کننده بوده است تا عهدنامه دوم ارزنه‌الروم، نمایندگان دو دولت، در مذاکرات به معاهده زهاب استناد کرده و آن را مبنای حل و فصل مسائل فیما بین قرار داده‌اند. برای نخستین بار در کنفرانس ارزنه‌الروم بود که نماینده ایران (میرزا تقی‌خان) با تأکید بر فقدان «اصل» معاهده زهاب، ادعاهای نماینده عثمانی (انوری افندی) را به چالش کشید، این موضوع در مجلس پنجم مذاکرات طرح شد و چون مناقشه بالا گرفت، در چند مجلس دیگر بحث و جدل‌های فراوان میان نمایندگان دو طرف در گرفت و منجر به ارائه سوادهای مختلف از عهدنامه شد، اما راه به جایی نبرد. نمایندگان دو دولت ضمن ضمن قبول «سندیّت» عهدنامه، درباره «اصالت و اعتبار» متن‌های موجود وارد مناقشه جدی شدند.

در جستار حاضر با بررسی ابعاد مختلف این موضوع، تلاش بر این است تا نشان داده شود شکمکش بر سر اصالت و اعتبار عهدنامه زهاب در کنفرانس ارزنه‌الروم به کجا انجامیده است. نمایندگان دو طرف برای اثبات نظرات خود به چه اسناد و ادله‌ای استناد کرده‌اند و در نهایت بحث و جدل‌های آن‌ها به چه نتایجی انجامیده است. در پژوهش حاضر، از اسناد و منابع منتشر شده و نشده ایران و عثمانی بهره گرفته شده است. اسناد و صورت مجالس منتشر نشده کنفرانس ارزنه‌الروم برای نخستین بار در این پژوهش استفاده شده است.

#### پیشینه پژوهش

درباره هر دو معاهده زهاب و ارزنه‌الروم، پژوهش‌هایی انجام شده است. از عنوان مقاله عابدینی (۱۳۸۴) چنین برمی‌آید که نویسنده متن‌های مختلف معاهده را شناسایی کرده و بعد از بررسی و مقایسه نسخه‌های مختلف، متنی «پیراسته» ارائه کرده است؛ در حالی که وی نسخه‌های مختلف را ندیده و موضوع را به درستی تبیین نکرده است. نتیجه مقاله حاکی است نویسنده به کلی از موضوع خود دور شده است.

صالحی (۱۳۸۶) ضمن بررسی رویارویی ایران و عثمانی بر سر بغداد، به چگونگی آغاز مذاکرات بین نمایندگان دو کشور بعد از فتح بغداد که منجر به امضای صلح‌نامه زهاب شد، اشاره کرده است.

علامه (۱۳۹۰) قسمت‌های زیادی از مقاله صالحی (۱۳۸۶) را بدون ارجاع نقل کرده است.

حتی «فرضیه اصلی پژوهش» را عیناً از مقاله فوق گرفته است.

ثواقب و زکیئی (۱۳۹۵) به خود معاهده زهاب نپرداخته‌اند، زمینه‌ها و پیامدهای آن را بررسی کرده‌اند. گودرزی در فصلی از کتاب خود، به «پیمان پایدار زهاب» پرداخته و آن را «احیای آماسیه» دانسته است. او با توجه به فقدان اصل نامه‌های مبادله‌شده بین طرفین، با استناد به منابع دست اول تلاش کرده تا چگونگی توافق بر سر مصالحه و امضای پیمان را روشن کند (گودرزی، ۱۴۰۰: ۲۳۰)؛ بنابراین، هیچ‌یک از پژوهش‌های داخلی مسئله اصالت عهدنامه زهاب در مذاکرات ارزنه‌الروم را بررسی نکرده‌اند

از پژوهش‌های خارجی، می‌توان به آثار آیگون، کلیچ، آتش و گونگورورلر اشاره کرد. آیگون در تز دکترای خود که درباره کنفرانس ارزنه‌الروم است، گفت‌وگوی نمایندگان ایران و عثمانی در مجلس هفتم را صرفاً با استناد به اسناد عثمانی نقل کرده است (Aykun, 1995: 118-119). او ظاهراً به اسناد میرزا تقی‌خان و سفارت‌نامه انوری افندی دسترسی نداشته است. اثر کلیچ صرفاً مربوط به عهدنامه‌های ایران و عثمانی تا عهدنامه زهاب است. در فصل پایانی این کتاب، به تصرف بغداد، گفت‌وگوی صلح و انعقاد عهدنامه قصرشیرین (زهاب) پرداخته شده است (Kılıç, 2001: 175-196). صبری آتش به مقایسه معاهده زهاب با معاهده وستفالی (۱۶۴۸) پرداخته و آن را «گامی مهم در تکامل ایده‌ها درباره مرزها و حاکمیت ارضی» میان دو کشور دانسته است (Ateş, 2019: 420).<sup>۱</sup>

گونگورورلر بعد از بررسی چگونگی انعقاد صلح‌نامه زهاب، وقایع چهار سال بعد از آن را بررسی کرده است. وی مدعی است «صلح زهاب برخلاف عنوان شناخته‌شده «عهدنامه»، در ابتدا یک پروتکل مرزی - «سنورنامه» - بود که بعداً با تعهدنامه (pledge-deed) صفویان به تصویب رسید و صلح‌نامه طرف عثمانی در پاسخ به آن بود.» (Güngörürler, 2020: 36). پژوهش‌های فوق، همگی معاهده زهاب را در همان دوره انعقاد بررسی کرده‌اند. تنها صبری آتش ضمن بررسی خود، گریزی به مسئله سندیت معاهده زهاب زده است، اما به دلیل دسترسی نداشتن به اسناد اصلی مذاکرات، به‌ویژه سفارت‌نامه نمایندگان ایران و عثمانی و نیز اسناد نماینده انگلیس (ویلیامز) از عهده تبیین موضوع برنیامده است.

نگارنده هنگام تصحیح و ترجمه سفارت‌نامه ایران، اثر انوری افندی و تصحیح سفارت‌نامه میرزا تقی‌خان<sup>۲</sup> دریافت یکی از موضوعات مناقشه‌برانگیز میان نمایندگان دو طرف، مسئله

۱. مقاله آتش از سوی نگارنده به فارسی ترجمه شده است. نک: منابع.

۲. این اثر از سوی بنیاد موقوفات افشار در دست انتشار است.

اصالت و اعتبار معاهده زهاب است (صالحی، ۱۳۹۹)، لذا با دسترسی به اسناد فوق و نیز اسناد ویلیامز<sup>۱</sup>، به پژوهش درباره این موضوع پرداخت. مقاله حاضر نخستین پژوهش درباره مسئله اصالت و اعتبار معاهده زهاب در مذاکرات ارزنه‌الروم است.

### صلح‌نامه یا عهدنامه زهاب

سلطان مراد چهارم و وزیراعظم او کمی بعد از تصرف بغداد (۲۵ شعبان ۱۰۴۸) از در صلح و سازش برآمده و با فرستادن ایلچیان متعدد تلاش کردند تا پیروزی نظامی خود را با به‌دست‌گرفتن ابتکار عمل در عرصه سیاسی، تکمیل کنند و نگذارند شکستی که بعد از تصرف ایروان رقم خورد (صالحی، ۱۳۸۸: ۹۵)، بار دیگر بعد از تسخیر بغداد رخ دهد. ازاین‌رو، سلطان و وزیراعظم او، هر دو اندکی بعد از پیروزی در عرصه نظامی، به‌طور جدی به طرح پیشنهاد مصالحه اقدام کردند. واله قزوینی می‌نویسد: سلطان مراد اندکی بعد از تصرف بغداد گرفتار «مرضی مهلک و دردی بی‌درمان شده پهلو بر بستر ناکامی نهاد و از بیم آنکه مبادا به دستور قلعه ایروان غیرت خسروانه خدیو کشورستان درصدد استرداد قلعه بغداد درآمده ابواب آن قلعه را به مفتاح تیغ جهان‌گشای بگشاید، طالب صلح و صلاح و راغب فوز و فلاح گردیده [...] و مصطفی‌پاشای وزیراعظم را در تأسیس مبانی مصالحه نایب مناب و قایم مقام خود انگاشت.» (واله قزوینی اصفهانی، ۱۳۸۲: ۲۷۲؛ وحید قزوینی، ۱۳۸۳: ۲۹۳).

مصطفی‌پاشا وزیراعظم به‌عنوان قائم‌مقام سلطان در بغداد مأمور پیگیری پیشنهاد صلح شد. چنان‌که ایلچیان روم «پی‌درپی به طلب صلح از جانب وزیراعظم می‌آمد» (ابوالمفاخر تفرشی، ۱۳۸۸: ۱۷۴). وی نخستین ایلچی به نام محمدآقا را در ۲۱ رمضان ۱۰۴۸ به عزم ایلچی‌گری به درگاه شاه صفی روانه کرد (خواجگی اصفهانی، ۱۳۶۸: ۲۶۴). به گفته تفرشی چون «صلاح دولت پایدار این بود و وفور برف و باران اکثر اسبان لشکری را نابود ساخته بودند، بدانچه موافق مزاج دولت استوار بود، ایالت و شوکت پناه، ساروخان طالش را به جهت استحکام بنیان صلح به‌جانب وزیر اعظم فرستادند تا آنکه صلح بر آنچه قرارداد طرفین بود به ظهور پیوست (ابوالمفاخر تفرشی، ۱۳۸۸: ۱۷۴؛ وحید قزوینی، ۱۳۸۳: ۲۹۳).

بنابراین، رفت‌وآمد ایلچیان دو طرف از ۲۱ رمضان ۱۰۴۸ آغاز و تا ۱۴ محرم ۱۰۴۹ که منجر به عقد صلح‌نامه زهاب شد، ادامه یافت. شاه‌صفی طی نامه‌ای خطاب به سلطان مراد

۱. دو سند پیوست که متن قسمتی از معاهده زهاب است و از سوی نمایندگان ایران و عثمانی در کنفرانس ارزنه‌الروم ارائه شده است، برای نخستین‌بار در مقاله حاضر به نقل از اسناد انگلیس (F.O) منتشر می‌شود.

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء<sup>(س)</sup>، سال ۳۳، شماره ۵۹، پاییز ۱۴۰۲ / ۹۱

موافقت خود را با صلح‌نامه اعلام داشت و ایلچی خود، محمدقلی بیگ جغتای را روانه اسلامبول کرد (جمادی‌الثانی ۱۰۴۹). در روز پذیرایی از ایلچی شاه، دیوان بزرگی ترتیب داده شد (پورگشتال، ۱۳۶۷: ۲۰۳۹/۳). سلطان بعد از ملاحظه نامه شاه‌صفی، ضمن اظهار مسرت از توافق صلح، در پاسخ خود، بر متن توافق‌شده میان نمایندگان طرفین در زهاب صحه گذاشت و با تأکید درخواست کرد رعایای شاه از سب خلفا و همسر رسول خدا خودداری کنند (فریدون بیگ، ۱۲۷۴: ۲ / ۳۰۴-۳۰۲).

واله قزوینی در ذکر وقایع اواخر ذی‌الحجه ۱۰۴۹ می‌نویسد: «محمدقلی بیگ جغتای که طریق ایلچی‌گری و سفارت به دیار روم پیموده بود، به مرافقت محمدآقای ایلچی فرمان‌فرمای آن مرزوبوم، معاونت نموده زبان صدق بیان به تبلیغ رسالت گشودند و نامه صداقت ختامه خواندگار منظور انظار اشراق آثار گردیده محمدآقا را به افسر توجهات گوناگون سربلند گردانید (واله قزوینی اصفهانی، ۱۳۸۲: ۲۹۹).

چنان‌که پیداست از هنگام طرح پیشنهاد صلح تا نهایی شدن صلح‌نامه، نزدیک به دو سال مذاکرات و رفت‌وآمد ایلچیان ادامه یافت. آنچه بین شاه و سلطان مبادله شد، نامه‌هایی بود که به «صلح‌نامه» و بعدها به «عهدنامه» تعبیر شده است. در برخی نسخه‌ها، «سنورنامه» و «سنورنامه‌چه» گفته شده است (خواجگی اصفهانی، ۱۳۶۸: ۲۷۱؛ واله قزوینی اصفهانی، ۱۳۸۲: ۲۷۳).

مصالحه زهاب به‌عنوان نقطه عطف در تاریخ روابط ایران و عثمانی به‌شمار می‌آید. این پیمان که تا زمان برافتادن صفویان دوام آورد، به مدت هشتادوچهار سال، پایه و اساس روابط مسالمت‌آمیز دو کشور بود. از طرفی، به‌عنوان مبنای انعقاد معاهدات دوره نادرشاه تا فتحعلی‌شاه بود، اما برای نخستین‌بار در اثنای مذاکرات ارزنه‌الروم «سندیّت» و «اصالت» این پیمان محل بحث و مناقشه جدی شد.

### کنفرانس ارزنه‌الروم

عهدنامه اول ارزنه‌الروم در ۱۹ ذی‌القعدة ۱۲۳۸ منعقد شد. دو دولت متعهد شدند بعد از این، شمشیر خصومت غلاف کنند و از هرگونه اقدامی که منجر به کدورت شود یا برخلاف دوستی و یگانگی باشد، بپرهیزند (پیرنیا، ۱۳۲۶ق: ۱۹۶). مواد و مفاد عهدنامه تا پایان سلطنت فتحعلی‌شاه (۱۲۵۰ق) کمابیش رعایت شد. از آغاز سلطنت محمدشاه تا سال ۱۲۵۸ قمری، به تدریج وقایعی روی داد که زمینه تیرگی روابط دو دولت را فراهم کرد (سپهر، ۱۳۷۷: ۱۵۶/۲-۱۵۵؛ مشیرالدوله: ۲-۳).

محمدشاه بعد از قتل عام کربلا در ۱۲۵۸ از سوی نجیب‌پاشا که منجر به کشته‌شدن شمار زیادی از اتباع ایران شد، مصمم به تجهیز و بسیج سپاه شد، اما چون دولت عثمانی و دولت‌های روس و انگلیس تمایلی به وقوع جنگ نداشتند، نمایندگان دو دولت مزبور در تهران و اسلامبول برای یافتن راه‌حلی مسالمت‌آمیز، به‌منظور جلوگیری از وقوع جنگ، به تکاپو برخاستند. سرانجام به پیشنهاد آن‌ها مقرر شد نمایندگان ایران و عثمانی و دو دولت واسطه برای برگزاری مجلس گفت‌وگو در شهر ارضروم حضور یابند.

میرزا جعفرخان مشیرالدوله به‌عنوان نماینده ایران انتخاب شد، اما به‌دلیل «ناخوشی و انکسار مزاج» ناخواسته از این مأموریت بازماند (مشیرالدوله: ۶). به‌جای او، میرزا تقی‌خان وزیرنظام که منصب سرتیپی و مقام وزارت آذربایجان را در امور کشوری و لشکری داشت، انتخاب شد (آدمیت، ۲۵۳۵: ۷۰؛ اقبال، ۱۳۸۵: ۳۷). از طرف عثمانی، نوری افندی به‌عنوان نماینده انتخاب و راهی ارضروم شد، اما یک ماه بعد از ورود به آنجا، در ۲۹ محرم ۱۲۵۹ درگذشت (Aykun, 1995: 72) و به‌جای او سید محمد سعیدالله انوری افندی انتخاب شد که از «اعظام رجال دولت علیّه و اعضای مجلس والای احکام عدلیّه» بود (Ibid, 76). از طرف دولت انگلیس، کلنل ویلیامز و از طرف روسیه، کلنل دینز به‌عنوان رئیس هیئت نمایندگی دو کشور انتخاب شدند (آدمیت، ۲۵۳۵: ۷۳).

نخستین جلسه رسمی مذاکرات با حضور نمایندگان واسطه در روز دوشنبه ۱۵ ربیع‌الثانی ۱۲۵۹ (۱۵مه ۱۸۴۳) برگزار شد. در آخرین جلسه، ۱۶ جمادای‌الثانی ۱۲۶۳ (۱ ژوئن ۱۸۴۷) عهدنامه دوم ارزنه‌الروم به امضا رسید و کنفرانس در ساعت ۴ بعدازظهر، با شلیک ۲۰ ضربه توپ پایان یافت. کنفرانس به حساب سنوات قمری، چهار سال و دو ماه و یک روز به طول انجامید (آدمیت، ۲۵۳۵: ۷۶؛ ناطق، ۱۳۶۸: ۱۵۵).

کنفرانس ارزنه‌الروم به دو دوره متمایز تقسیم می‌شود: دوره نخست، شامل هجده مجلس مذاکره بود. مجلس اول در روز دوشنبه ۱۵ ربیع‌الثانی ۱۲۵۹/۱۵مه ۱۸۴۳ با افتتاح کنفرانس آغاز شد و مجلس هجدهم در روز یکشنبه ۱۲ صفر ۱۲۶۰/۳ مارس ۱۸۴۴ برگزار شد. در جلسه پایانی که بسیار به درازا کشید، بیشتر انوری افندی سخن گفت. نماینده ایران تنها در آغاز و انجام این مجلس مطالبی ایراد کرد.

انوری افندی<sup>۱</sup> به احتمال قوی از پیش، درصدد بود تا بعد از ایراد مطالب خود، به‌صورت یک طرفه به مذاکرات پایان دهد و بدون موافقت نمایندگان سه دولت دیگر، از ادامه مذاکرات

۱. از این پس به‌جای «انوری افندی»، به اختصار «افندی».

کنار بکشد. او در این جلسه، بعد از پایان اظهاراتش، متن پیش‌نویس معاهده پیشنهادی خود را تقدیم نمایندگان سه دولت کرد. نمایندگان واسطه گفتند: ما از پذیرش آن معذوریم، و «میرزا تقی‌خان هم حتماً از پذیرفتن آن معذور خواهد بود» (امیر، مجلس هجدهم؛ افندی، مجلس هجدهم). با قطع مذاکرات از سوی افندی، هجده دور گفت‌وگوی رسمی چهارجانبه بدون نتیجه پایان یافت و کنفرانس دچار فترت شد. دور دوم کنفرانس، از اواسط ۱۲۶۱ تا اواسط ۱۲۶۳ قمری که معاهده امضا شد، ادامه یافت.

هریک از نمایندگان چهار دولت حاضر در کنفرانس ارزنه‌الروم، در طول چهار سال، گزارش روند مذاکرات را همراه با صورت‌مجلس برای دولت‌های خود فرستاده‌اند. مکاتبات نمایندگان روس و انگلیس، دینز و ویلیامز، با وزاری مختار کشورشان در تهران و استانبول و نیز با وزارت امور خارجه کشورشان، همچنین مکاتبات میان لندن و پترزبورگ، در زمره منابع مهم دولت‌های واسطه است که روند مذاکرات را به روایت آن‌ها به تصویر می‌کشد.

نماینده عثمانی، انوری افندی، علاوه بر گزارش‌هایی که به استانبول ارسال کرده، کتاب مستقلی با عنوان *سفارت‌نامه ایران از خود به‌جا گذاشته است*. این اثر، حاوی صورت‌مجلس، گزارش‌ها و مکاتبات وی در طول مذاکرات است. نماینده ایران، میرزا تقی‌خان، نیز با ارسال نامه‌ها، گزارش‌ها و صورت‌مجلس مذاکرات، شاه و صدر اعظم را به‌طور پیوسته در جریان مذاکرات گذاشته است. آنچه از گزارش‌های میرزا تقی‌خان باقی مانده مجموعه‌ای از هجده صورت‌مجلس مذاکرات و ده‌ها نامه و گزارشی است که بیشتر آن‌ها در میان مجموعه‌های اسناد آرشیو وزارت امور خارجه موجود است (اسناد وزارت امور خارجه، سواد مکاتبات، شماره‌های ۲، ۷، ۱۰، ۱۸؛ صالحی، ۱۳۷۷).

اسناد و گزارش‌های نمایندگان ایران و عثمانی تصویر دقیقی از روند مذاکرات چهارجانبه به‌ویژه مواضع، ادعاها، اختلاف‌ها و پیشنهادها دو طرف در اختیار می‌گذارد. همچنین، از خلال اسناد و گزارش‌ها می‌توان به مواضع نمایندگان روس و انگلیس در اثنای مذاکرات پی برد. نمایندگان ایران و عثمانی با نیت آگاه‌سازی دولت‌های خود از جریان جزئیات مذاکرات و موضوعات مهم گفت‌وگوها، نهایت تلاش را کرده‌اند تا متن مذاکرات را به‌صورت دقیق ثبت و ضبط کنند، به‌گونه‌ای که نکته مهمی از قلم نیفتد. در واقع، می‌توان با اندکی مسامحه گفت متن صورت‌مجلس نماینده هر طرف، منعکس‌کننده متن صورت‌مجلس طرف دیگر است. باین حال، نمی‌توان گفت متن و محتوای صورت‌مجلس هر یک از طرفین، عین صورت‌مجلس طرف دیگر است. گاه دیده می‌شود تنها خلاصه مطالب و مواضع اصلی طرف مقابل ثبت و ضبط شده است. نوع و روش دفاع نمایندگان دو دولت از مواضع و ادعاهای خود، نکته مهم

دیگری است که در تحلیل روند مذاکرات باید به آن توجه کرد (صالحی، ۱۳۹۹: ۲۱-۱۹).

### مذاکرات ارزنه الروم: مجلس یکم تا سوم

در مجلس یکم (۱۵ ربیع‌الثانی ۱۲۵۹)، بعد از گفت‌وگو درباره اختیارنامه‌ها، افندی وارد موضوع دیگر شد و مسئله سلیمانیه را پیش کشید. گفت: قشون ایران سال قبل به سلیمانیه تجاوز کرده است، باید از عهده «تضمین» (جبران خسارت) و «ترضیه» (جلب رضایت) برآید (افندی، صورت‌مجلس اول<sup>۱</sup>). میرزا تقی‌خان<sup>۲</sup> پاسخ داد: از معاهده ارضروم (۱۲۳۸ق) به بعد، از سوی سرحدداران دولت روم بارها به حدود و سنور ایران تجاوز و قتل نفوس و نهب و غارت شده و خسارات و خرابی زیادی به بلاد و امر عباد دولت علیّه ایران وارد شده و اولیای این دولت مکرر به وسائل رسائل حسنه، ترضیه خواسته‌اند؛ اما به دفع‌الوقت گذرانیده‌اند. امیر به بیان رشته تجاوزات فوق اکتفا نکرد، مهم‌ترین تجاوز و قتل عام عثمانی که ۱۲۵۳ در محمّره اتفاق افتاد را پیش کشید (امیر، صورت‌مجلس اول<sup>۳</sup>). افندی در پاسخ ادعا کرد: خسارات وارده به عثمانی بیش از خسارات وارده به ایران بوده است. بعد موضوع دیگری را پیش کشید و مدعی محمّره شد.

امیر گفت: «بی‌پرده بگو بینم در باب خاک، حرفی داری یا در باب رعیت؟ یا در کم‌وکیف مال‌ومنال؟ در هرکدام حرفی داری بگو تا من از برای جناب شما رفع ابهام بکنم.» افندی در پاسخ درباره مأموریت صارم افندی و مذاکره با میرزا جعفرخان مشیرالدوله مطالبی گفت و مسئله سلیمانیه را پیش کشید. امیر گفت: «چه‌طور شد و از روی کدام عهدنامه محمّره ملک دولت علیّه روم شده و هم سلیمانیه؟». افندی پاسخ داد: «موافق عهدنامه سلطان مرادخان رابع». امیر گفت: «ابراز بفرمایید.» افندی گفت: «اگر تفحص شود پیدا می‌شود.» (امیر، صورت‌مجلس اول؛ افندی، صورت‌مجلس اول).

در مجلس نخست، افندی مدعی محمّره و سلیمانیه شد، و برای اثبات ادعای خود، برای نخستین‌بار پای عهدنامه زهاب و یا به تعبیر او «عهدنامه سلطان مرادخان رابع» را پیش کشید. در مجلس دوم و سوم، بیشتر وقت گفتگو صرف حدّ و حدود مأموریت و اختیارات نمایندگان

۱. صورت‌مجلس انوری افندی به نقل از سفارت‌نامه ایران است. برای کوتاه‌شدن ارجاعات، تنها شماره صورت‌مجلس ذکر می‌شود.

۲. از این پس به جای «میرزا تقی‌خان»، به اختصار «امیر»

۳. صورت‌مجلس میرزا تقی‌خان، به نقل از اسناد وزارت امور خارجه، کتابچه سواد مکاتبات (ش. ۱۸) است. برای کوتاه‌شدن ارجاعات، تنها شماره صورت‌مجلس ذکر می‌شود.



ایران و عثمانی شد. میرزا تقی خان مجلس مذاکره را به‌مثابه فرصتی برای طرح صریح دعاوی حقه دولت ایران می‌دانست. او درک درستی از مأموریت خود داشت. می‌دانست در میدان مذاکره می‌تواند حقانیت دعاوی دولت خود را ثابت کند. در مقابل، افندی با اصرار بر «مطالب ثلاثه»<sup>۱</sup>، تلاش می‌کرد دستور کار موردنظر خود را غالب کند. امیر فقرات سه‌گانه نماینده عثمانی را در زمره فرعیات می‌دانست و بر «مطالب تسعه»<sup>۲</sup> که مسائل اساسی می‌شمرد، پافشاری می‌کرد. سرانجام، طرفین در مجلس سوم نتوانستند به دستور کار مشترکی برای ادامه مذاکره دست یابند. پس، تصمیم گرفتند مجلس دیگری برگزار نشود تا اینکه «احکام مجدد [از] اسلامبول و تهران» برسد.

تا برگزاری مجلس چهارم، پنج ماه و ده روز طول کشید. در این مدت دیدارهای غیررسمی و مکاتبات متعددی بین نمایندگان و پایتخت‌هایشان انجام گرفت. در سفارت‌نامه ایران، در حد فاصل مجلس سوم و چهارم، ده نامه و سند و در سفارت‌نامه امیر، هشت نامه و سند آمده است. هر دو سفارت‌نامه، ما را در جریان تحولات دوره وقفه پنج ماه و ده روز بین دو مجلس کنفرانس می‌گذارد.

در فاصله زمانی مزبور، تک‌تک این اسناد برای آگاهی از دوره وقفه مذاکرات میان دو مجلس حائز اهمیت است. این اسناد تکاپوی امیر و نیز اقدامات دولت ایران و نمایندگان واسطه را نشان می‌دهند. محض نمونه، امیر در نامه‌ای به حاجی میرزا آقاسی درباره یکی از دیدارهایش با نمایندگان واسطه در فاصله بین مجلس سوم و چهارم می‌نویسد: آن‌ها گفتند: انوری افندی اسناد و مدارکی برای ارائه در مجلس چهارم آماده کرده است. من گفتم: «نقشه و کتابی که در دولت عثمانیه جمع و طبع کرده‌اند، معتبر است یا نه؟ باز طفره زده جواب ندادند.» بعد اضافه می‌کند: «منظور همان کتاب جغرافیا بود. چون طفره زده کمترین هم بروز مطلب ندادم تا موقع اقتضا کند...»<sup>۳</sup> (امیر به حاجی، ۱۶ رجب ۱۲۵۹، اسناد مکمل، ج. ۵۵، ش. ۱۹).

۱. انوری افندی در نخستین جلسه مذاکرات تلاش کرد تا مسائل قابل طرح در مذاکرات را تنها به «مطالب ثلاثه» (سه فقره) محدود کند و تقلیل دهد: خسارت وارده به سلیمانیه، حدود طرفین و حقوق گمرکی (افندی، صورت مجلس اول).

۲. مطالب تسعه امیر در دستورالعملش آمده بود: تعیین سرحد دولتین، مسئله فراریان، خاصه شاهزادگان فراری، حق حاکمیت ایران بر محمره، مطالبه خسارت وارده از سوی میر رواندوز، خسارات وارده به اورامان و دیگر محال کردستان، خسارات وارده به محمره و کربلا، رد ایل و عشایر دولت ایران که به خاک عثمانی کوچانده‌اند، تعیین رسوم گمرک تجار ایران، رفع ایذا و اضرار به حجاج و زوار ایرانی.

۳. اولین بار، دو سال قبل از برگزاری کنفرانس ارزنه‌الروم، میرزا آقاسی در نامه ۲۵ محرم ۱۲۵۷ به وزیراعظم

### مجلس چهارم و پنجم: آغاز بحث و جدل درباره عهدنامه زهاب

مجلس چهارم (۱۵ شوال ۱۲۵۹) که با موضوع سلیمانیه شروع شد، به عرصه روایت تاریخ انجامید. در واقع، دو طرف دوباره همدیگر را محک زدند تا ببینند چقدر می‌توانند حرف خود را به کرسی بنشانند. هر کدام حرف خودشان را زدند. در پایان، باز امیر از افندی خواست به «حقوق ثابتة دولت علیة ایران» جواب دهد. افندی هم گفت: «باید اول اساس و مواد مرا جواب بدهید.» (امیر، مجلس چهارم؛ افندی، مجلس چهارم).

مجلس پنجم در ۲۰ شوال ۱۲۵۹ برگزار شد. افندی که در بحث تاریخ حریف امیر نشده بود، در این مجلس خواست با استناد به یکی از اسناد طرف مقابل، حرف خود را ثابت کند. نامه‌ای از میرزا آقاسی به وزیراعظم روم را رو کرد که در ۱۲۵۷ نوشته شده بود. امیر به خوبی از عهده پاسخ برآمد. بعد از پاسخ امیر، مأمورین واسطه گفتند: «مقصد و مطلب طرفین را از مکالمه سلیمانیه» فهمیدند، به همین دلیل خواستار کفایت مذاکرات درباره سلیمانیه و طرح موضوع دیگر شدند. امیر پذیرفت، اما افندی زیر بار نرفت (امیر، مجلس پنجم). پس، خواهش مأموران عملی نشد. مجلس گفت‌وگو باز حول مسئله سلیمانیه ادامه یافت. امیر که با دست پر در مجلس پنجم حضور یافته بود، فرصت را مناسب دید تا ادعاهای افندی را به چالش بکشد. برای اینکه مطابق رسم و مستند اظهار مطلب کند، گفت: موافق دستورالعملی که به من داده‌اند، در [نوزده] ذی‌القعدة ۱۲۳۸ بین دو دولت معاهده بسته شده است.<sup>۱</sup> در این معاهده، حدود دو دولت به عهدنامه نادرشاه با سلطان محمود ارجاع شده است. این عهدنامه نیز به معاهده شاه صفی و سلطان مراد رابع ارجاع شده است؛ بنابراین، سرحد دو دولت به این معاهده برمی‌گردد.

این بار امیر برای اثبات ادعاهای خود پای معاهده زهاب را به میان کشید. در واقع نقطه آغاز بحث و جدل‌های جدی پیرامون اصالت عهدنامه زهاب از مجلس پنجم بود. جایی که طرفین برای اثبات ادعاهای ارضی خود می‌بایست به سندی اساسی استناد می‌کردند. این سند چیزی جز عهدنامه زهاب نبود. درحالی‌که نمایندگان دو دولت در «سندیت» عهدنامه مزبور اتفاق نظر داشتند، اما در «اصالت» متنی که باید به آن استناد کنند، بحث و جدل‌های فراوانی در گرفت.

---

عثمانی در موضوع «حدود و سنور دولتن» به کتاب جغرافیای کاتبی افندی (چلبی) یعنی «جهان‌نما» استناد کرده بود (نک. گزیده اسناد ایران و عثمانی، ۱/۳۶۸).

۱. منظور عهدنامه اول ارزنه‌الروم است.

امیر ابتدا سندیت معاهده را پذیرفت و گفت: «سرحده دو دولت» به «معاهده [زهاب] برمی گردد». سپس اضافه کرد: «اصل این معاهده به دلیل انقلابات ایران از بین رفته و در دست نیست». امیر در همان آغاز بحث پیرامون معاهده زهاب به نکته‌ای بسیار اساسی اشاره کرد. نکته‌ای که باب بحث و جدل پیرامون معاهده زهاب را برای همیشه باز گذاشت، به گونه‌ای که تا صد سال بعد از او هم وقتی در کمیسیون‌های تحدید حدود دو کشور نمایندگان طرف عثمانی سخن از معاهده زهاب به میان می‌آوردند، نمایندگان ایران با تأکید بر اینکه «اصل» معاهده در دست نیست، می‌توانستند ادعاهای طرف مقابل را به چالش بکشند.

بگذریم، امیر بعد از اینکه گفت: «اصل معاهده از بین رفته است.» سوادى از آن را به نقل از دو متن جغرافیایی مهم عثمانی ارائه کرد: کتاب «جغرافیای کاتب افندی» یا همان جهان‌نمای کاتب چلبی و دیگر «کتاب جغرافیای مختصر» یا همان ترجمه اطلس.<sup>۱</sup>

امیر اضافه کرد: هر دو کتاب در «اسلامبول در وقت سلطان سلیم منطبع شده [و] در آن نیز بعضی از ممالک ایران که غصب شده معلوم» است. امیر چون موقع را مناسب دید، بخشی از متن عهدنامه را به نمایندگان حاضر نشان داد و گفت: دولت عثمانی در ایام انقلابات ایران فرصت را مغتنم شمرده و بخش‌هایی از خاک ممالک ایران را تصاحب کرده است. از جمله «آخسقه و وان و قارص و بایزد و توابع بلده خوی از قبیل غازی‌گل، اباق‌ای که مشهور به یزیدی‌خانه است و چهریق و الباق و کوی و حریر و شهرزور که عبارت از سلیمانیه است و قلعه چوالان و توابع آن‌ها تا پل خانقین و از خوزستان، پاره [ای] جاها که در سواحل بحرالعجم است.» (امیر، صورت مجلس پنجم).

افندی در واکنش به اظهارات امیر «بعد از تفکر و تأمل بسیار» گفت: «چون جناب وزیر، قارص و آخسقه و وان و غیرذلک را می‌خواهد، من هم تبریز را می‌خواهم.» امیر بدون تأمل، پاسخ محکمی داد: «اگر شما را عهدنامه معتبری و کتاب محکمی مثل همین کتاب هست، بیرون بیاورید، و آلا چنان‌که خود گفتید با حرف نمی‌شود.» (امیر: همان). مأموران واسطه که تحت تأثیر استدلال امیر قرار گرفته بودند، گفتند: «صورت همین عهدنامه را که در این کتاب جغرافیا خوانده شد، به ما هم التفات نمایند.»

امیر پاسخ داد: «بسیار خوب، نسخه نویسانده از برای دوستان خودم می‌فرستم.»<sup>۲</sup> سپس

---

۱. میرزا تقی‌خان در صورت مجالس خود، از این اثر، گاه به عنوان «ترجمه اطلس» و گاه با عنوان کتاب «جغرافیای مختصر» یاد کرده است.

۲. به نوشته ردهاوس، میرزا تقی‌خان فقره مورد اشاره در جهان‌نما را در ۱۷ نوامبر ۱۸۴۳ (۲۴ شوال ۱۲۵۹) به مأموران واسطه تقدیم کرده و توسط او به انگلیسی ترجمه و در اسناد انگلیس چاپ شده است (نک. اسکوفیلد،

مأمورین واسطه از انوری افندی پرسیدند: «شما صورت عهدنامه مرحوم شاه‌صفی و مرحوم سلطان مرادخان رابع را دارید؟» جناب افندی گفت: بلی، دارم (افندی، صورت مجلس پنجم). مأموران از افندی «صورت عهدنامه مرحوم شاه‌صفی و مرحوم سلطان مرادخان رابع را خواستند.» او گفت: «هست،<sup>۱</sup> زیاده جوابی نداد.» (امیر، صورت مجلس پنجم).

امیر دو روز بعد از پایان مجلس پنجم، طی نامه‌ای میرزا آقاسی را در جریان جزئیات مذاکرات گذاشت و نوشت: «مجلس خامس [...] قریب به پنج ساعت طول کشید.» این گزارش و نیز متن صورت مجلس پنجم، حاجی و شاه را سخت تحت تأثیر قرار داد، طوری که هر دو زبان به تحسین امیر گشودند (سواد مکاتبات: ش. ۲، برگ ۶۱b).

حاجی نوشت: «تحریرات آن فرزند با کتابچه صورت مجلس پنجم [...] واصل شد و همه را به نظر دقت از مطلع تا مقطع ملاحظه و مطالعه کرده، بعد به لحاظ اقدس همایون شاهنشاهی - روح‌العالمین فدا - رسانید و خدمات آن فرزند مقبول خاطر مهرمآثر ملوکانه افتاد و باعث ازدیاد مراحم و اشفاق مهر اشراق خدیوانه درباره آن فرزند شد. الحق آن فرزند در مجلس پنجم، بسیار بسیار خوب از عهده گفت‌وگو برآمده است. زیاد از حد از آن فرزند راضی و خشنود شدم. مرحبا، مرحبا، صد هزار آفرین! روی آن فرزند سفید! نمک شاهنشاه دین‌پناه به آن فرزند حلال باشد که به‌طور دل‌خواه، آن جناب در مجلس پنجم حقوق و حدود دولت علیّه ایران را ثابت کردی.» (سواد مکاتبات، ش. ۲، برگ ۶۱b).

#### مجلس ششم و هفتم: مناقشه بر سر «سواد» و «اصل» عهدنامه

افندی در فاصله یک هفته تا برگزاری مجلس ششم (۲۸ شوال ۱۲۵۹) تلاش خود را صرف یافتن کتاب جهان‌نما کرد. در آغاز مجلس گفت: «وزیر نظام در مجلس قبل به کتاب جهان‌نمای کاتب چلبی استناد کرد، من نسخه‌ای از این کتاب را در ارضروم یافتیم.» بعد اضافه

---

۱۹۸۹: ۱۵۲/۱). سواد این سند در اسناد انگلیس (Vol. 1843-44) هست. با این مشخصات: F.O. 78/2711-1790041 برای تصویر سند (نک. پیوست).

۱. ویلیامز در صورت مجلس پنجم می‌نویسد: انوری افندی وعده داد در پاسخ به ارائه عهدنامه از سوی میرزا تقی‌خان، او هم اقدام متقابل کند (نک. اسکوفیلد، ۱۹۸۹: ۱۴۳/۱) و لذا در ۱۷ نوامبر ۱۸۴۳ (۲۴ شوال ۱۲۵۹) قسمتی از عهدنامه مضبوط در تاریخ نعیم را به مأموران واسطه تقدیم کرد. این قسمت از سوی ردهاوس، به انگلیسی ترجمه شده و در اسکوفیلد (۱۹۸۹: ۱۵۳/۱) چاپ شده است. سواد آن با عنوان «صورت عقد مصالحه و شروط صلح ایلیچی در تاریخ نعیم، صحیفه ۶۸۶ جلد اول» در اسناد انگلیس (Vol. 1, 1843-44) هست. با این مشخصات: F.O. 78/2711-1790043. برای تصویر سند (نک. اسناد پیوست)؛ همچنین، متن کامل عهدنامه تقدیمی انوری افندی از سوی ردهاوس به انگلیسی ترجمه شده و در اسکوفیلد (۱۶۰/۱-۶۲) چاپ شده است.

کرد: «متن عهدنامه‌ای که در آن آمده، غلط و ناقص است.» برای اثبات سخنش به موضوع و روش کار نویسنده اشاره کرد و گفت: از آنجا که «جهان‌نما» کتابی در موضوع جغرافیاست، وقایع تاریخی را بدون تحقیق همه‌جانبه و دقیق نوشته است. اگر بخواهید، در جلسه قرائت می‌کنم تا سهو و لغزش نویسنده در سبک و عبارت و ربط محقق و آشکار شود.» (امیر، مجلس ششم؛ افندی، مجلس ششم). پاسخ امیر روشن بود. گفت: معلوم است که افندی «اصل کتاب مزبور را که صورت عهدنامه در آن درج است، صحیح می‌دانند... و برای مصلحت خود عبارت [آن] را تأویل می‌کنند.

ظاهراً این بار افندی حواش جمع بود، متن عهدنامه را در جهان‌نمای کاتب چلبی دقیق خوانده و با تأویل و تفسیرهای امیر هم کم‌وبیش آشنا بود. مقابل او کم نیاورد. گفت: «از تأویلی که شما از لفظ طرفین می‌کنید، چنین برمی‌آید که دولت‌ها در محاربه و سپس مصالحه بین دولتین دخالتی نداشته‌اند و بین دو خطه عراق و آذربایجان رخ داده و تصمیم به تخریب قلعه‌ها بین دو شهر و خطه مشروط شده است.» (امیر، صورت مجلس ششم؛ افندی، صورت مجلس ششم). افندی با این جمله خواست بگوید بالاخره یک بار جواب امیر را درست و حسابی دادم!

نوری افندی در اصل به این نکته توجه نداشت که امیر در مواجهه با او که به عهدنامه سلطان مراد و شاه صفی (معاهده زهاب) استناد می‌کرد، «اصل» عهدنامه را از او مطالبه می‌کرد. اگر به تعبیر افندی، عهدنامه مندرج در جهان‌نما دارای «سهو [و] خطا» است، پس نمی‌توان به کلیت عهدنامه مندرج در کتاب مزبور اعتماد کرد. به‌هررو، افندی بعد از پایان سخنش، رو به مأموران کرد و «تصدیق خواست». امیر هم با اطمینان از موضعش گفت: «حضرات متوسطین منصفین در این باب، در آخر خواهند گفت که حق با کیست.» (امیر: همان). مأموران واسطه دیدند مذاکرات سلیمانیه همچنان ادامه پیدا می‌کند، برای پروتست از آن، گفتند: عهدنامه را برای سفیرایمان ارسال می‌کنیم، زیرا «تا زمانی که دولت‌هایمان به گُنه و حقیقت این موضع و ماده وقوف پیدا نکنند، نمی‌توانیم این موضوع را حل و فصل کنیم.» (امیر: همان)

چون تصمیم بر ارسال عهدنامه به دولت‌های واسطه شد، امیر بنا به دغدغه‌ای که نسبت به مفاد و محتوای عهدنامه داشت، دوباره تأکید کرد و گفت: در سه مجلس، مطابق دستورالعمل از مرخص افندی «اصل» عهدنامه [زهاب] را درخواست کردم، اکنون مرخص افندی «صورت» (= سواد) عهدنامه را به من و شما دادند. آیا دوباره «اصل» عهدنامه را درخواست کنم یا نه همین «صورت» (= سواد) عهدنامه را قبول کنم؟» مأموران واسطه گفتند: ما باید «صورت» عهدنامه را قبول کنیم و آن را به سفارت‌خانه‌های دولت‌هایمان ارسال کنیم، شما نیز برای

عرض و ارائهٔ این عهدنامه به دولت‌تان «صورت» آن را بپذیرید.» (امیر، مجلس ششم؛ افندی، مجلس ششم).

مجلس هفتم در روز پنج‌شنبه ۱۴ ذی‌القعدة برگزار شد. بنابه تصمیم پایانی مجلس ششم، مقرر شده بود در این مجلس یکی دیگر از موضوعات مورد اختلاف طرح و گفت‌وگو شود، اما افندی در همان ابتدای جلسه، به تعبیر خودش «عندالملاقات»، دوباره سر وقت مسئلهٔ سلیمانیه رفت و خطاب به حضار گفت: در این جلسه برای اثبات وثاقت عهدنامهٔ سلطان مراد و شاه‌صفی، سه متن و منبع مهم ارائه می‌کنم: دستورالانشا، اثر رئیس‌الکتاب عبدالله افندی، تألیف ۱۰۵۳ قمری؛ تاریخ نعیم و [تاریخ] گلشن معارف اثر فرائضی‌زاده (افندی، مجلس هفتم).

افندی درخواست کرد عهدنامهٔ مضبوط در این آثار مقابله شود. مأموران موافقت کردند. امیر به صراحت گفت: «اگر تطبیق و مقابله موجب طول مجلس باشد که بهانه شود به عدم اقدام به جواب حقوق ثابتۀ دولت علیۀ ایران و مجلس به هم بخورد تطبیق لازم نیست.» (امیر، مجلس هفتم). پاسخ امیر درست بود. به‌موقع ورود کرد. با این کار، قرار مجلس را یادآور شد. مأموران وساطت کردند. قرار شد کار مقابله «زیاده از ده دقیقه» طول نکشد، اما بیش از نیمی از وقت جلسه به مقابله و تطبیق نسخه‌ها صرف شد. افندی بعد از مقابله، بر اصالت کتاب‌ها تأکید کرد. به‌ویژه بر این نکته انگشت گذاشت که تاریخ نعیم و [تاریخ] گلشن معارف چهار سال بعد از معاهدهٔ زهاب تألیف شده‌اند.

گفته‌های افندی از سوی امیر نقد شد، از دو جنبه: نخست اینکه کتاب‌های ابراز شده، از سوی «نوکر و رعیت دولت علیۀ عثمانیه برای خیرخواهی و مصلحت‌جویی و صرفۀ دولت خود نوشته و طبع» شده‌اند. به این دلیل، «امنای دولت علیۀ ایران به این‌ها متقاعد و ساکت» نخواهند شد. بعد اضافه کرد: «کتابی که من ابراز کردم، آن معتبرتر است؛ زیرا، «نه در ایران تصنیف و تنسیخ شده و نه طبع گشته است؛ بلکه در پایتخت دولت علیۀ عثمانیه به استحضار کسانی که در دیباچه قید شده و موافق اسامی که دارند باید از کبار و رجال دولت عثمانی باشند» طبع شده‌اند.

کتاب مزبور برای «امنای دولت ایران به مثل عهدنامهٔ معتبر، اعتبار» دارد. (امیر: همان). امیر با این سخن، پنبۀ کتاب‌های افندی را زد و به جهان‌نمای کاتب چلبی که قبلاً استناد کرده بود، دوباره استناد کرد؛<sup>۱</sup> به‌واقع، با کتاب خودشان جوابشان را داد.

۱. امیر به احتمال قوی به تأسی از حاجی میرزا آقاسی بر «صحت و اعتبار» عهدنامه مضبوط در جهان‌نمای کاتب

جنبه دیگر پاسخ امیر معطوف به نفی «اصالت» سواد عهدنامه‌های استنادشده افندی بود. زبده حرفش این بود: در سواد عهدنامه‌های مضبوط در سه کتاب یاد شده، تصریح شده که «این نامه [ای] است در جواب عهدنامه مرسوله» شاه صفی که همراه محمدقلی [بیگ] فرستاده شده است. از مضمون این عبارت پیداست که شاه صفی، اقدام به ارسال عهدنامه کرده است. به همین دلیل، باید «اصل» عهدنامه در «خزینة» دولت عثمانی باشد.<sup>۱</sup> اگر «خزینة» دولت علیة ایران به یغما نرفته بود،<sup>۲</sup> حتماً ابراز می‌کرد. مسئله دیگر اینکه: پیش از مبادله عهدنامه، وکلای دو دولت، ساروخان طالش و مصطفی پاشا، بنا به وکالت، شروطنامه‌ای میان خود مهور و به یکدیگر داده‌اند. همان «شروطنامه مهوره ساروخان اضافه بر عهدنامه مرسوله شاه صفی باید در نزد امنای دولت علیة عثمانیه موجود» باشد (امیر، مجلس هفتم).<sup>۳</sup>

شیوه‌ای که امیر در استدلال‌های خود در پیش‌گرفت، دقیقاً با روشی که امروزه از آن به «نقد متن» تعبیر می‌شود، هم‌خوانی دارد. چه در سنجش «روایات مندرج در اسناد مکتوب باید دو مسئله عمده را بررسی کرد: صحت متن و صحت انتساب [...] تا انتساب سند به مؤلف آن محقق نباشد از آن نمی‌توان به‌عنوان یک شهادت استفاده کرد»؛ بنابراین، «وقتی صحت انتساب اثری به مؤلف آن روشن نباشد، استناد به آن مایه گمراهی است (زرین‌کوب، ۱۳۶۲: ۱۵۲-۱۵۱). امیر با تأکید بر لزوم ارائه اصل متن عهدنامه می‌خواست به انوری افندی بفهماند تا اصل متن ارسالی شاه صفی به سلطان مراد در دست نباشد، نمی‌توان «صحت متن» و «صحت انتساب» سوادهای او را پذیرفت. از دید امیر، اصالت و اعتبار عهدنامه استنادشده افندی، تنها در صورت ارائه «اصل» آن، مستند بود؛ در غیر این صورت فاقد وثاقت و اعتبار بود.

گفت‌وگوی نمایندگان ایران و عثمانی بر سر موضوعی که قبلاً چند بار طرح شده و به

---

چلبی پافشاری کرده است. چه، حاجی در فرمانی خطاب به سمینو به او می‌گوید: در تعیین سرحد دولتین، باید «موافق عهدنامه مقرر سلطان خلد مرابع، سلطان مراد رابع، و کتاب جغرافیایی که کاتب افندی... مطابق عهدنامه سلطان مرادخان رابع تألیف و انطباق داشته و به مهر و امضای آن دولت علیة رسیده که اولیای دولت علیة روم را در صحت و اعتبار آن سخنی نیست، مشخص و معین نمایند.» (اسناد وزارت خارجه، سواد مکاتبات، شماره ۶، سند ۰۰۵).

۱. دولتمردان ایران بر این باور بودند که «اصل» عهدنامه می‌باید در استانبول باشد. وزیر خارجه ایران در نامه ۳ رمضان ۱۲۵۴ به کمال افندی، ایلچی عثمانی، نوشته است: «اصل عهدنامه پادشاه علیین آرامگاه شاه صفی مغفور [در اصل به اشتباه: شاه عباس] را که البته در دفترخانه آن دولت ضبط است به سفیر مخصوص ما، میرزا جعفر [خان] نمایند که او صورتی از آن برداشته، ارسال دارد.» (نک. گزیده اسناد ایران و عثمانی، ۲۵۷/۱).

۲. اشاره امیر به اشغال اصفهان به دست افغان و به یغما رفتن اسناد و کتاب‌های خزائن صفویان است.

۳. افندی گفته‌های امیر را در مجلس هفتم بسیار دقیق ضبط کرده است.

جایی نرسیده بود، نمایندگان واسطه را کلافه کرد. گفتند: «در مجلس گذشته قرار این بود که دیگر از سلیمانیه حرف زده نشود، به مطلب دیگر ابتدا شود.» افندی تذکر نمایندگان واسطه را نادیده گرفت و دوباره از جنبه‌ای دیگر اصالت سواد عهدنامه‌های مورد استناد را پیش کشید و از امیر پرسید: اگر سواد عهدنامه‌های مضبوط در کتاب‌های مزبور فاقد اعتبار است، پس چرا عهدنامهٔ منعقد در زمان نادرشاه و نیز عهدنامهٔ اول [ارزنه‌الروم در] دورهٔ فتحعلی‌شاه (۱۲۳۸ق)، براساس همین عهدنامهٔ سلطان مراد با شاه‌صفی تنظیم است، چرا در آن زمان نگفتند عهدنامهٔ مزبور اصالت ندارد و حالا در این پانزده سال چنین حرفی می‌زنند؟ (امیر، صورت‌مجلس هفتم؛ افندی، صورت‌مجلس هفتم).

امیر در پاسخ گفت: «جواب این مکالمات بسیار هست، اما اگر بگویم مجلس به طول می‌انجامد و مقصد اصلی از دست می‌رود، حالا که من موافق قرارداد مجلس سابق منتظر جواب حقوق ثابت‌هستم، اقدام» نمایید. پرسش‌های افندی تأمل‌برانگیز بود. از طرفی به نکته‌ای اشاره کرد. گفت: اگرچه به پایتخت عثمانی «از جانب اجنبی گزندی وارد نشده»، آشکار است که چندین بار «به سبب بروز احتراق در باب‌عالی، برخی اوراق (= اسناد) مهم سوخته است.» بعد حرفش را خلاصه کرد و گفت: «سواد عهدنامه‌ای که به شما دادم، بدون ذره‌ای شک و شبهه، همان عهدنامه‌ای است که میان سلطان مراد رابع و شاه‌صفی امضا و تصدیق شده است.» امیر گفت: «اگر بخواهم جواب بدهم به درازا می‌کشد.» (امیر، مجلس هفتم؛ افندی، مجلس هفتم).

امیر برای اینکه مسئلهٔ سلیمانیه بیش از این به درازا نکشد، ادامه نداد. پافشاری افندی بر اصالت عهدنامه بیره بود. زیرا اصالت «سواد» سند منوط به مقابله با «اصل» است تا برابر بودن سواد با اصل ثابت شود. حرف اصلی امیر در دو مجلس اخیر همین بود. امیر از افندی می‌خواست برای اثبات ادعاهای خود «اصل» عهدنامه را ابراز کند، نه سواد آن را. موضع امیر اصولی بود. وزیر امور خارجه نیز بر آن صحه گذاشت. در بحث پیرامون محمره نوشت: «اگر می‌خواهند سرحد آنجا معلوم شود، «اصل» عهدنامه را که شاه‌صفی صفوی، انارالله، ممضی داشته، ابراز نمایند.» (سواد مکاتبات، ش. ۲: ۱۳۲).

#### مجلس دهم: ادامهٔ بحث‌و جدل دربارهٔ معاهدهٔ زهاب

مجلس دهم<sup>۱</sup> در ۴ ذی‌الحجه ۱۲۵۹ برگزار شد. امیر در آغاز مجلس بار دیگر مسئلهٔ عهدنامهٔ

۱. مجلس هشتم و نهم و بیشتر وقت مجلس دهم به موضوع محمره اختصاص یافته است.



فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء (س)، سال ۳۳، شماره ۵۹، پاییز ۱۴۰۲ / ۱۰۳

زهاب را پیش کشید و با استناد به آن، از قول امنای دولت خود گفت: سرحداران و پاشایان عثمانی در «روزهای فترت و انقلاب ایران» ارکان و شروط عهدنامه را نادیده گرفته و با حمله به قلمرو ایران، مناطق زیادی را به تصرف درآورده‌اند. از جمله:

«آخسقه و قارص و بایزید و وان و توابع بلده خوی مانند غازلی گل و محمودی و اباقای که مشهور به یزیدی‌خانه است و چهریق و الباق و کوی و حریر و شهرزور که سلیمانیه است و قلعه چولان و توابع آن‌ها تا پل خانقین عرب و عجم و از خوزستان این طرف شط‌العرب و سواحل بحرالعجم و سایرین که تفصیل آن‌ها کرات و مرات لساناً و مکاتبه به اولیای دولت علیه عثمانی اظهار مرقوم شده است؛ بدون جهت و سبب که مخالفت عهود و موثیق عقلاً و شرعاً مطبوع نیست، عهد و میثاق را سهل انگاشته به تدریج این ولایات را ضبط کرده و متصرف شده‌اند.»  
امیر برای اثبات ادعای خود بار دیگر به دو متن مهم جغرافیایی که در اسلامبول به طبع رسیده، *جهان‌نما* و *جغرافیای مختصر*<sup>۱</sup>، استناد کرد و گفت: «حدود و سنور دولتین اسلام» در این دو کتاب که به «امضای دولتی هم رسیده است و همان مطابق است با عهدنامه سلطان مرادخان رابع [...] مفصلاً و مشروحاً نوشته شده و من همین مقاله حدود آن کتاب را در مجلس خامس ابراز و اظهار نموده سه طغرا سواد آن را به جناب مأمور مرخص عثمانی و مأمورین متوسطین هر سه داده‌ام و همگی را معلوم شده است.»

امیر در ادامه، سند تازه‌ای، «خریطة کتاب جغرافیای مختصر»، را نشان داد. مأموران واسطه گفتند: «این صفحه را به ما هم بدهید.» امیر پاسخ گفت: «نزد من مهندس نیست که صورت (= تصویر) آن را تواند بکشد.» مأموران متوسطین گفتند: «در نزد کلنل دینز، مأمور متوسط دولت فخیمه روسیه، مهندس هست. اگر اذن و اجازت می‌دهید او بیاید در منزل شما سه نسخه بردارد، این بنده درگاه قبول کرد.»<sup>۲</sup> (امیر، صورت مجلس دهم).<sup>۳</sup>

افندی در پاسخ امیر به دو مطلب اشاره کرد: یکی اینکه در مجلس خامس هنگام ارائه متن عهدنامه زهاب از *جهان‌نما*، بر «سهو و سقطات» آن کتاب صحه گذاشتم، دیگر آنکه: «مناطق

۱. از این اثر به نام «ترجمه اطلس» نیز یاد شده است.

۲. نقشه اشاره شده توسط مهندس مأمور واسطه ترسیم شده و در اسناد انگلیس (اسکوفیلد: ۱۸۷/۱) به صورت سیاه‌وسفید چاپ شده است. با این توضیح:

Copy of part of a Map (not reproduced) in an Atlas printed at Constantinople, communicated by the Persian Plenipotentiary at the Tenth Conference of Erzeroum.

اصل نقشه به صورت رنگی در اسناد انگلیس (Vol. 1, 1843-44) هست. با این مشخصات:

F.O. 78/2711-P1790161

۳. افندی در صورت مجلس دهم به این عبارت اشاره نکرده است.

که شما ادعا می‌کنید، بدون شک و تردید مطابق عهدنامه، ملک حقیقی دولت علیّه [عثمانی] است.» وی برای اثبات سخنش گفت: «اگر جهان‌نما در نزد شما معتبر است، در همین کتاب، اورامان را جزو ممالک دولت علیّه نوشته، حال آنکه در تصرف ایران است.»

امیر در رد اظهارات افندی به‌ویژه عبارت پایانی او، استدلال درستی کرد: «هرگونه کتاب که در دولت عثمانی تصنیف و طبع شده باشد، بدیهی است که سند دولت مشارالیها نخواهد بود؛ چراکه مصنف و طباع هر دو، ملاحظه نفع دولت متبوع خود را بالضروره می‌کنند، اما هرچه دولتی که مدعی است، در این‌گونه کتب ممضای دولت مشارالیها، سند برای مدعی خود پیدا [کند] و به دست آورد، لامحاله بسیار مناط و معتبر خواهد بود، چنانکه معلوم می‌شود؛ چون همان سند یعنی عهدیه (= عهدنامه) را جای انکار نبوده است، به‌ناچار از غایت وضوح ثبت و ضبط کرده است. علی‌هذا، همان صورت عهدیه کتاب جهان‌نما را که در اسلامبول طبع شده است را صحیح می‌دانم» (امیر: همان؛ افندی: همان)، اما آن نواحی که «ملک صریح و صحیح دولت علیّه ایران است، و مصنف کتاب مزبور محض ملاحظه نفع دولت خود آن‌طور نوشته و جناب افندی برای خود دلیل اتخاذ فرمودند» مناط اعتبار نیست (امیر: همان).<sup>۱</sup>

مجلس دهم با قول افندی برای ارائه برخی «اوراق و خریطه» پایان یافت. در مجلس سیزدهم (۱۳ ذی‌الحجه) افندی سراغ دو کتاب استنادشده امیر رفت و از او پرسید: در دوسه مجلس اخیر، شما بیان می‌کنید که «مقدمه جهان‌نما به امضا و تأیید پادشاه وقت [عثمانی] رسیده است، این گفته شما در کجای کتاب مزبور مسطور است؟» و درباره کتاب دیگر پرسید: «اگر این ترجمه اطلس<sup>۲</sup> مناط و معتبر است، چرا در مکالمه محمره ابراز و ارائه نشد؟»

افندی با این پرسش‌ها خواست نقطه قوت استدلال امیر را زیر سؤال ببرد. امیر با تسلط پاسخ او را داد: «در باب جهان‌نما، لفظ امضای دولتی گفته‌ام و در باب ترجمه اطلس، مهر دولتی افاده کرده‌ام که عبارت از طغرا باشد.» سپس افزود: در جواب جناب شما که گفتید: «ترجمه اطلس را چرا در مکالمه محمره ابراز نکردم»، این است که: هر مأمور، اطاعت امر دولت متبوع خود را لازم و واجب می‌شمارد و امنای دولت علیّه ایران، دستورالعملی که به من مرقوم داشته‌اند، من هم محض امتثال امر اطاعت کرده‌ام (امیر، صورت مجلس یازدهم).

در ادامه مجلس دوازدهم نمایندگان واسطه درخواست کردند مذاکره درباره مسئله حدود پایان یابد و به موضوعات دیگر پرداخته شود. با موافقت نمایندگان طرفین از مجلس سیزدهم

۱. افندی مطالب امیر را کم‌وبیش ضبط کرده است (افندی، صورت مجلس دهم).

۲. منظور همان کتاب جغرافیای مختصر است.

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء (س)، سال ۳۳، شماره ۵۹، پاییز ۱۴۰۲ / ۱۰۵

تا هیجدهم (آخرین مجلس) موضوعات مختلف دیگر به بحث و گفت‌وگو گذاشته شد. تنها در مجلس هجدهم نماینده عثمانی یک بار دیگر برای ادعاهای ارضی دربارهٔ محمره، سلیمانیه و زهاب پای عهدنامهٔ سلطان مراد رابع با شاه‌صفی را پیش کشید و حرف‌های قبلی را تکرار کرد و بعد از اینکه حرف‌هایش را گفت، علی‌رغم مخالفت نمایندگان سه دولت، به‌صورت یک طرفه به مذاکرات پایان داد (افندی، صورت‌مجلس هجده).

### نتیجه‌گیری

روابط ایران و عثمانی در طول سده‌های متمادی همراه با جنگ‌و‌صلح بود. میان دو دولت، عهدنامه‌های متعددی منعقد شد. بعد از معاهدهٔ زهاب، هشتاد و چهار سال روابط مسالمت‌آمیز برقرار شد. از برافتادن صفویان تا برآمدن قاجاران، روابط بر مدار جنگ‌و‌صلح ادامه یافت. معاهدهٔ گردان بر مبنای معاهدهٔ زهاب منعقد شد. در دورهٔ فتحعلی‌شاه، بعد از پایان عملیات نظامی تنبیهی ایران، نمایندگان دو طرف در ارضروم وارد مذاکره شدند و در پایان مذاکرات، معاهدهٔ اول ارضروم (۱۹ ذی‌القعدة ۱۲۳۸) به امضا رسید. در دورهٔ محمدشاه، به‌سبب تجاوز سپاه عثمانی به محمره (۱۲۵۳ق) و تعدیات دیگر، به‌ویژه قتل‌عام کربلا در ۱۲۵۸ق، روابط دو کشور رو به وخامت گذاشت تا جایی که دو کشور در آستانهٔ جنگ قرار گرفتند. اما با وساطت نمایندگان روس و انگلیس مقرر شد، نمایندگان چهار دولت در مجلسی در ارزنة‌الروم حضور یابند و با گفت‌وگو و مذاکره به اختلافات پایان دهند. نخستین مجلس کنفرانس ارزنة‌الروم در ۱۵ ربیع‌الثانی ۱۲۵۹ برگزار شد. مذاکرات چهار سال و دو ماه و یک روز ادامه یافت. در هجده دور مذاکرات بیشتر مسائل مورد اختلاف طرح و گفت‌وگو شد. بیشترین اختلاف دربارهٔ مسائل مربوط به حدود بود. چند مجلس به مذاکره دربارهٔ ادعاهای ارضی اختصاص یافت. نمایندگان ایران و عثمانی هر یک به روش‌های مختلف درصدد اثبات ادعاهای خود بودند. از جمله استناد به منابع تاریخی و جغرافیایی. نخستین بار در مجلس پنجم میرزا تقی‌خان با استناد به متن عهدنامهٔ زهاب در کتاب جهان‌نمای کاتب چلبی به دفاع از دعاوی خود پرداخت و نمایندهٔ عثمانی را در موضع ضعف قرار داد. انوری افندی بعد از مجلس پنجم به تکاپو پرداخت تا منابعی برای رد دعاوی میرزا تقی‌خان بیابد. او در مجلس هفتم سه کتاب دستورالانشاء، تاریخ نعیمه و تاریخ گلشنِ معارف را ارائه کرد و گفت: متن عهدنامهٔ مندرج در این آثار معتبر است و متن مندرج در جهان‌نمای کاتب چلبی دارای «سهو سقطاط» است. ارائهٔ دو تحریر مختلف از متن عهدنامه از سوی نمایندگان طرفین منجر به بروز بحث و جدل‌های فراوان دربارهٔ اصالت عهدنامهٔ زهاب شد. اصرار هریک از طرفین بر اصالت متنی که ارائه کرده بودند، به نوعی تا

مجلس دهم کنفرانس ادامه یافت. انوری افندی کوشید اصالت سواد معاهدهٔ مندرج در کتاب‌های مذکور را اثبات کند؛ در مقابل میرزا تقی‌خان ضمن تأکید بر اصالت متن مندرج در جهان‌نمای کاتب چلبی، از نمایندهٔ عثمانی خواست «اصل» معاهده را که می‌باید در خزانهٔ عثمانی موجود باشد، ارائه کند. وی با اشاره به اینکه پایتخت عثمانی برخلاف پایتخت صفویان، اشغال نشده است، معتقد بود اصل عهدنامهٔ ارسالی شاه‌صفی به سلطان مراد باید در خزانهٔ سلاطین عثمانی در استانبول موجود باشد. از دید او «سواد» عهدنامه تنها زمانی معتبر است که با «اصل» مقابله و برابر شده باشد و تا زمانی که اصل عهدنامه ارائه نشود، سوادهای ارائه‌شده از سوی نمایندهٔ عثمانی فاقد اعتبار است. بدین ترتیب در مجلس ششم و هفتم مناقشه‌ای بر سر اصل و سواد عهدنامه میان نمایندگان طرفین درگرفت که تا یک سده بعد به موضوع مناقشه‌برانگیز میان نمایندگان ایران و عثمانی در کمیسیون‌ها تحدید حدود تبدیل شد.<sup>۱</sup>

---

۱. از لطف و همکاری دو فرهیختهٔ گرامی سپاسگزارم. استاد کاوه بیات، اسناد منتشرنشدهٔ انگلیس را در اختیارم گذاشتند و دکتر جمشید نوروزی جُستار حاضر را پیش از انتشار، مطالعه کردند و نکاتی را یادآور شدند.

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء (س)، سال ۳۳، شماره ۵۹، پاییز ۱۴۰۲ / ۱۰۷

## منابع

### کتاب‌ها و مقالات

- آتش، صبری (۱۴۰۲) «عهدنامه زهاب: افسانه‌ای بنیادین یا سندی اساسی»، ترجمه نصرالله صالحی، *ایران ورجاوند*، (۱-۲۶)، ۳۹-۵.
- آدمیت، فریدون (۲۵۳۵) *امیرکبیر و ایران*، تهران: خوارزمی.
- اصفهان‌ی، محمدمعصوم بن خواجگی (۱۳۶۸) *خلاصه السیر (تاریخ روزگار شاه صفی صفوی)*، به کوشش ایرج افشار، تهران: علمی.
- اقبال، عباس (۱۳۸۵) *میرزا تقی خان امیرکبیر*، به اهتمام ایرج افشار، تهران: توس.
- انوری افندی، سید سعدالله (۱۴۰۲) *سفارت‌نامه ایران: اسناد، مکاتبات و صورت‌مجلس مذاکرات ارزنه-الروم ۱۲۵۹-۱۲۶۳ هجری قمری*، تصحیح، ترجمه از ترکی عثمانی، مقدمه، توضیحات و پیوست-ها: نصرالله صالحی، صفيه خدیو، تهران: بنیاد موقوفات افشار.
- پورگشتال، هامر (۱۳۶۷) *تاریخ امپراتوری عثمانی*، ترجمه میرزا زکی علی‌آبادی، به تصحیح جمشید کیان‌فر، تهران: زرین.
- پیرنیا، حسین (مؤتمن‌الملک) (۱۳۲۶ق) *مجموعه معاهدات دولت علیه ایران با دول خارجه*، تهران: مطبعة فاروس.
- تفرشی، ابوالمفاخر (۱۳۸۸) *تاریخ شاه صفی (تاریخ تحولات ایران در سال‌های ۱۰۳۸-۱۰۵۲ق)*، به تصحیح: محسن بهرام‌نژاد، تهران: میراث مکتوب.
- روزنامه سفر سلطان مراد چهارم به ایران و تبریز (۱۰۴۵-۱۰۴۴)*، به تصحیح یونس زیرک، *منزل‌نامه بغداد (۱۰۴۹-۱۰۴۸)*، به تصحیح خلیل ساحلی اوغلو، ترجمه از ترکی عثمانی، مقدمه، توضیحات و پیوست‌ها: نصرالله صالحی، تهران: طهوری.
- زرین‌کوب، عبدالحسین (۱۳۶۲) *تاریخ در ترازو (درباره تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری)*، تهران: امیرکبیر.
- صالحی، نصرالله (۱۳۸۶) «رویارویی ایران و عثمانی بر سر بغداد (۱۰۴۸-۱۰۴۹/۱۶۳۸-۱۶۳۹)»: علل و نتایج»، *مطالعات و تحقیقات تاریخی*، (۱۵)، ۹۹-۱۲۳.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۸) «لشکرکشی سلطان مراد چهارم به ایروان و تبریز: علل و نتایج (۱۰۴۵-۱۰۴۴ق)»، *تاریخ اسلام و ایران*، ۱۹(۱)، ۷۷-۱۰۶.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۹) «بررسی تطبیقی گزارش‌های نمایندگان ایران و عثمانی در مذاکرات ارزنه‌الروم (۱۲۶۳-۱۲۵۹)»، *مطالعات آسیای صغیر*، (۱۰)، ۲۶-۹.
- فریدون‌بیگ (۱۲۷۴ق) *منشآت السلاطین یا مجموعه منشآت فریدون‌بیگ*، استانبول: دارالطباعت العامره.
- گزیده *اسناد سیاسی ایران و عثمانی (۱۳۶۹)* واحد نشر اسناد، جلد ۱، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
- گودرزی، بهروز (۱۴۰۰) *مرزهای غربی ایران صفوی*، تهران: نگارستان اندیشه.

۱۰۸ / مذاکرات ارزنه‌الروم و بروز نخستین بحث‌وجدل‌ها درباره‌ اصالت و اعتبار عهدنامه زهاب... / صالحی

ناطق، هما (۱۳۶۸) / ایران در راهیابی فرهنگی ۱۸۴۸-۱۸۳۴، پاریس: خاوران.  
واله قزوینی اصفهانی، محمدیوسف (۱۳۸۲) / ایران در زمان شاه‌صفی و شاه‌عباس دوم (۱۰۷۱-۱۰۳۸)،  
حدیقه ششم و هفتم از روضه هشتم خلد برین، به تصحیح محمدرضا نصیری، تهران: انجمن آثار و  
مفاخر فرهنگی.

وحید قزوینی، میرزا محمدطاهر (۱۳۸۳) / تاریخ جهان‌آرای عباسی، به تصحیح سید سعید  
میرمحمدصادق، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

### اسناد و نسخه‌های خطی

- اسناد وزارت امور خارجه، اسناد مکمل، جلد ۵۵، شماره ۱۹.  
اسناد وزارت امور خارجه، کتابچه سواد مکاتبات، شماره ۱۸.  
اسناد وزارت امور خارجه، کتابچه سواد مکاتبات، شماره ۲.  
اسناد وزارت امور خارجه، کتابچه سواد مکاتبات، شماره ۶.  
اسناد وزارت امور خارجه، کتابچه سواد مکاتبات، شماره ۷.  
اسنادی از روند انعقاد عهدنامه دوم ارزنه‌الروم (۱۲۶۴-۱۲۵۸)، (۱۳۷۷)، به کوشش نصرالله صالحی،  
تهران: وزارت امور خارجه.  
انوری‌زاده السید محمد سعدالله انوری افندی، سفارت‌نامه ایران، اسلامبول، کتابخانه سلیمانیه، خطی،  
شماره ۱۴۴۹.  
مشیرالدوله تبریزی، میرزا جعفرخان، رساله تحقیقات سرحدیه، کتابخانه مجلس، خطی، شماره ۲۷۷۵.

Ateş, Sabri (2013), *the Ottoman-Iranian Borderlands-Making a Boundary, 1843-1914*, New York: Cambridge University Press.

Aygun, İbrahim (1995), *Erzurum Konferansı (1843-1847) ve Osmanlı-İran Hudut Antlaşması, Atatürk Üniversitesi Sosyal Bilimler Enstitüsü Tarih Anabilim Dalı, Doktora Tezi, Erzurum.*

Güngörürler, Selim (2020), "The belated consummation of the Ottoman-Safavid peace of Zuhab, 1639-1643", *Archivum Ottomanicum*, Edited by Barbara Kellner-Heinkele – Pal Fodor, No. 37, Harrassowitz, Verlag. Wiesbaden.

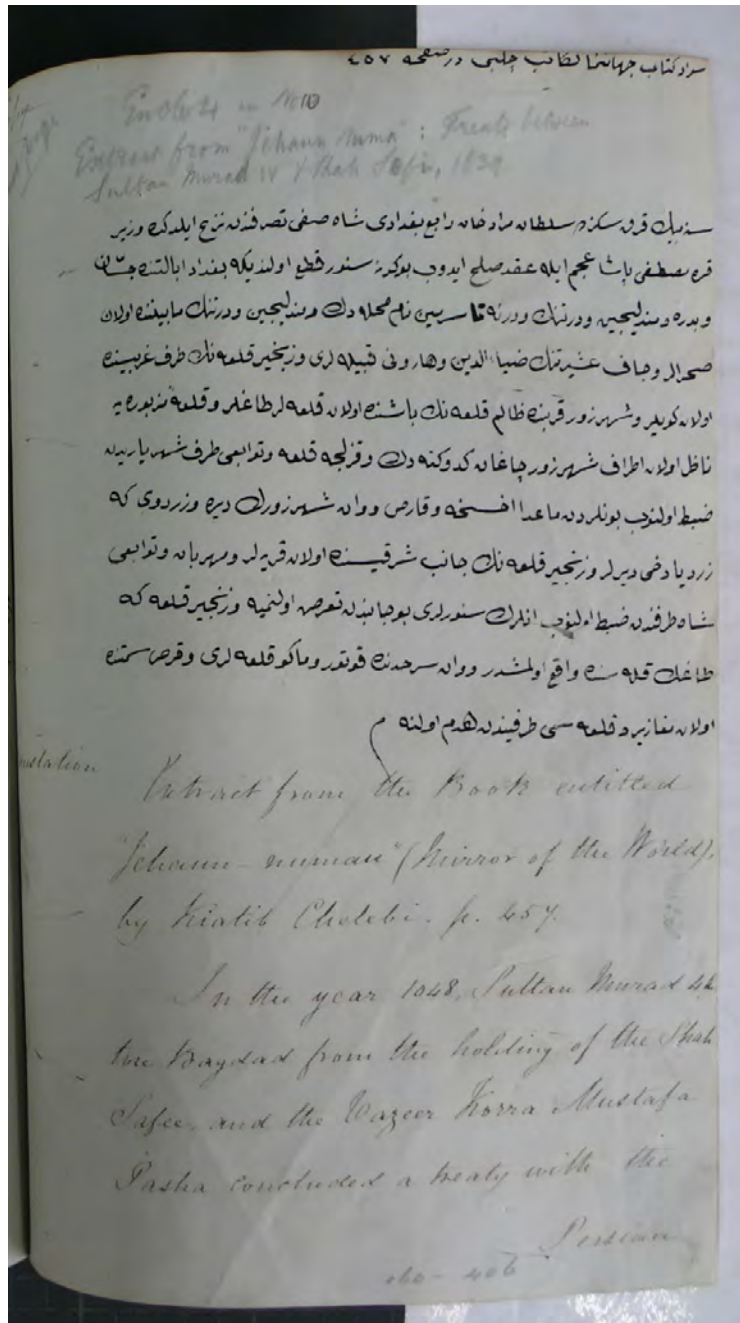
Kılıç, Remzi (2001), *XVI. ve XVII. Yüzyıllarda Osmanlı-İran Siyasî Antlaşmaları*, İstanbul: Tez Yayınları.

Schofield, Richard (ed.) (1989), *The Iran-Iraq Border (1840-1958), Negotiations Culminating in the Treaty of Erzeroum, 1840-1847*, Archive Editions, Vol. 1.

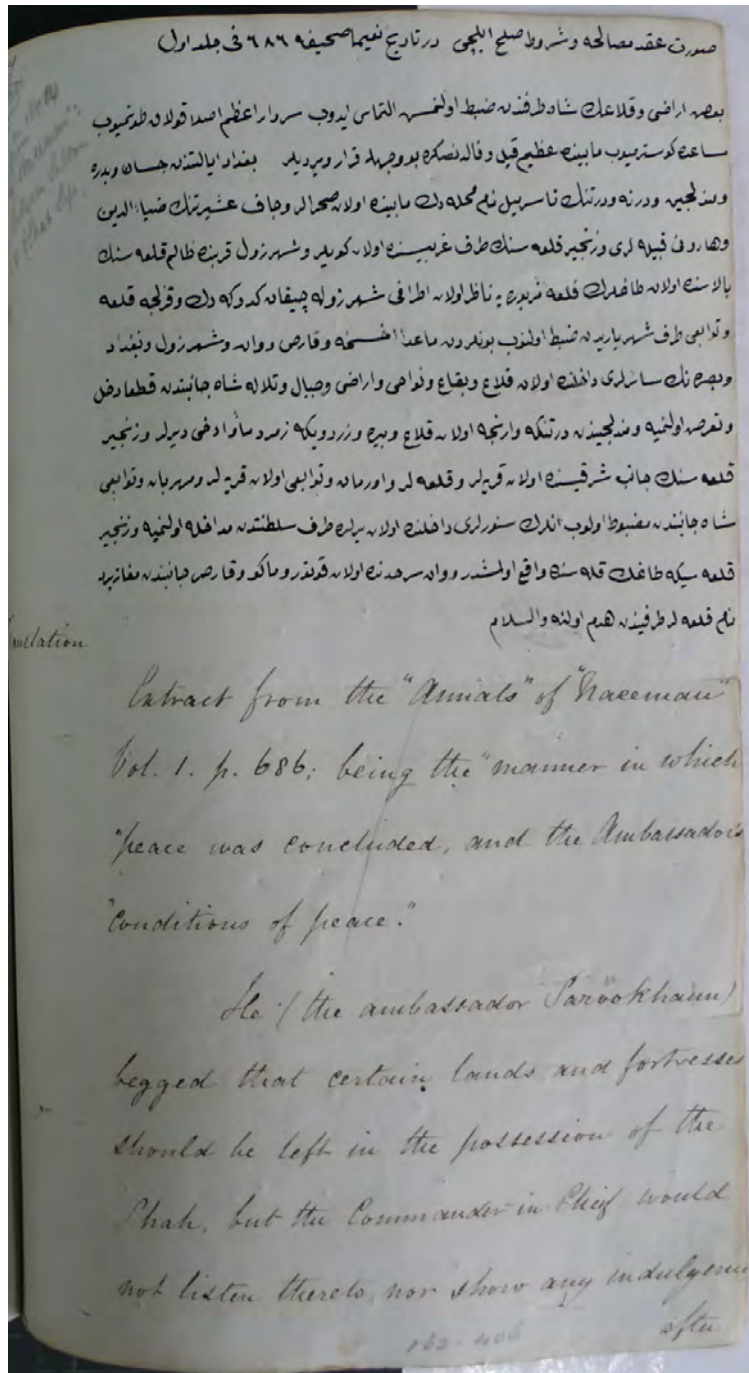
TURKEY, ERZEROUM COMMISSION, Lt. COL: WILLIAMS & Mr. CURZON, *BOUNDARY BETWEEN TURKEY & PERSIA*, Vol. 1, 1843-44.

<p>صورت عقد مصالحه و شروط صلح ایلچی در تاریخ نعیم، صحیفه ۶۸۶ فی جلد اول<sup>۱</sup></p>	<p>سواد کتاب جهان‌نما لکاتب چلبی در صفحه ۲۴۵۷</p>
<p>بعض اراضی و قلاعک شاه طرفندن ضبط اولنمسنه التماس ایدوب سردار اعظم اصلاً قلاق طوتمیوب مساعدت کوسترمیوب مابینده عظیم قیل و قالدن صکره بو وجهله قرار ویردیله: بغداد ایالتندن جسان و بدره و مندلیجین و درنه و درتنک تا سرمیل نام محله دک مابینده اولان صحرالر و جاف عشیرتنک ضیالالدین و هارونی قبیله لری و زنجیرقلعه سنک طرف غربی سنده اولان کویلر و شهرزول قربنده ظالم قلعه سنک بالاسنده اولان طاغلرک قلعه مزبوره یه ناظر اولان اطرافی شهر زوله چیقان کدوکه دک و قزلجه قلعه و توابعی طرف شهریار یدله ضبط اولنوب بونلردن ماعدا اخسقه و قارص و وان و شهرزول و بغداد و بصره نک سائرلری داخلنده اولان قلاع و بقاع و نواحی و اراضی و جبال و تلال شاه جانبندن قطعاً دخل و تعرض اولنیمه و مندلیجیندن درتنکه وارنجه اولان قلاع و بیره و زردوی که زمرد مأوا دخی دیرلر و زنجیرقلعه سنک جانب شرقی سنده اولان قریه لر و قلعه لر و اورمان و توابعی اولان قریه لر و مهربان و توابعی شاه جانبندن مضبوط اولوب انلرک سنورلری داخلنده اولان یرلره طرف سلطنتدن مداخله النمیمه و زنجیر قلعه سی که طاغک قله سنده واقع اولمشدر و وان سرحدنده اولان قوتور و ماکو و قارص جانبندن مغازبرد نام قلعه لر طرفیندن هدم اولنه، والسلام.</p>	<p>سنه بییک فرق سکز که سلطان مرادخان رابع بغدادی شاه صفی تصرفندن نزع ایلدکده وزیر قره مصطفی پاشا عجم ایله عقد صلح ایدوب بوکونه سنور قطع اولندیکه: بغداد ایالتنده جسان و بدره و مندلیجین و درتنک و درنه تا سرمین [سرمیل] نام محله دک و مندلیجین و درتنک مابیننده اولان صحرالر و جاف عشیرتنک ضیالالدین و هارونی قبیله لری و زنجیر قلعه نک طرف غربی سنده اولان کویلر و شهرزور قربنده ظالم قلعه نک باشنده اولان قلعه لر طاغلر و قلعه مزبوره یه ناظر اولان اطراف شهرزور چاغان کدوکنه دک و قزلجه قلعه و توابعی طرف شهریار یدله ضبط اولنوب بونلردن ماعدا اخسقه و قارص و وان شهر زورک دیره و زردوی که زردیا دخی دیرلر و زنجیر قلعه نک جانب شرقی سنده اولان قریه لر و مهربان و توابعی شاه طرفندن ضبط اولنوب انلرک سنورلری بو جانبندن تعرض اولنیمه و زنجیر قلعه که طاغک قله سنده واقع اولمشدر و وان سرحدنده قوتور و ماکو قلعه لری و قرص [قارص] سمتنده اولان مغازبرد قلعه سی طرفیندن هدم اولنه.</p>

1. TURKEY, ERZEROUM COMMISSION, Lt. COL: WILLIAMS & Mr. CURZON, BOUNDARY BETWEEN TURKEY & PERSIA, Vol. 1, 1843-44, 78/2711-P1790043  
 2. TURKEY, ERZEROUM COMMISSION, Lt. COL: WILLIAMS & Mr. CURZON, BOUNDARY BETWEEN TURKEY & PERSIA, Vol. 1, 1843-44, 78/2711-P1790041.







### List of sources with English handwriting

- Adamiyat, Fereydu (2535), Amirkabir and Iran, Tehran: kwarazmī. [in Persian]
- Ateş, Sabri (1402), "Treaty of Zohab, 1639: Foundational Myth or Foundational Document?"  
Translated by Nasrollah Salehi, Iran Verjavand, Vol. 6, No.1-2, p. 5-39. [in Persian]
- Documents from the process of concluding the second treaty of Erzurum (1377), by Nasrollah Salehi, Tehran: Ministry of Foreign Affairs Publications. [in Persian]
- Enveri Zadeh El-Seyed Mohammad Saadullah Enveri Effendi, İran Sefāretnāmesi (Embassy of Iran), Istanbul, Sulaymaniyah Library, Manuscript, No. 1449. [in Ottoman Turkish]
- Enveri Zadeh El-Seyed Mohammad Saadullah Enveri Effendi (1402), Sefāratnām-e Iran (Embassy of Iran), Introduced, Annotated & Translated From Original Ottoman Turkish by Nasrollah Salehi and Safiye Khadiv, Tehran: Bonyād-e Moghofāt-e Afshar Press. [in Persian]
- Esfahani, Mohammad Masoum b. Khawajgi (1368), Kholasatol-siar (History of Shah Safī), Edited by Iraj Afshar, Tehran: 'Elmī va Farhangī Publications. [in Persian]
- Fereydu Bey (1274 AH), Monša'āt ul-Salāṭīn or Fereydu Bey's collection of correspondence, Istanbul: Dār ul-ṭibā'at al-Āmīra. [in Persian]
- Gozīdeh-e Asnād-e Siyāsī-ye Iran va Osmani (Selection of Iranian and Ottoman Political Documents (1369), Vol. 1, Tehran: Ministry of Foreign Affairs. [in Persian]
- Godarzi, Behrouz (1400), Iran's Western Borders during the Safavid Period, Tehran: Negārestān-e Andīseh Press. [in Persian]
- Iqbal, Abbas (1385), Mīrzā Taqī k̄ān-e Amīrkabīr, by Iraj Afshar, Tehran: Tūs. [in Persian]
- Ministry of Foreign Affairs documents, Ketābč-e Savād-e Mokātebāt, No. 2. [in Persian]
- Ministry of Foreign Affairs documents, Ketābč-e Savād-e Mokātebāt, No. 6. [in Persian]
- Ministry of Foreign Affairs documents, Ketābč-e Savād-e Mokātebāt, No. 18. [in Persian]
- Ministry of Foreign Affairs documents, supplementary documents, Vol. 55, No 19. [in Persian]
- Mošīr ul-Dowlah Tabrīzī, Mīrzā ja'far k̄ān, Rīsāleh-e Taḥqīqāt-e Sarḥaddīyah, Maḵlīs Library, Manuscript, No. 2775. [in Persian]
- Natīq, Homa (1368), Iran dar Raḥyābī-ye Farhangī, 1834-1848, Paris: k̄āvarān. [in Persian]
- Pirniya, Hossein (Mo'tamīn ul-Molk) (1326 AH), Maḵmū'eh Mo'āhedāt-e Dowlat-e 'Elīyye Iran bā Doval-e k̄āreje (Iran's treaties with foreign countries), Tehran: Farous Publishing House. [in Persian]
- Porgheshtal, Hammer (1367), History of the Ottoman Empire, translated by Mirza Zaki Aliabadi, edited by Jamshid Kianfar, Tehran: Zarīn. [in Persian]
- Roūznāme-ye Safar-e Soltān Morād IV be Iravan va Tabriz (The Journal of Sultan Murad IV's Campaigns of Yerevan and Tabriz) (1044-45 AH/1635 AD), Edition and Introduction by Yunus Zeyrek, [and] Manzelname-ye Baghdad (The Gazetteer of the Baghdad Invasion), (1048-49 AH/1638-39 AD) Edition and Introduction by Halil Sahillioğlu, Introduced, annotated, attachments and translated from original Ottoman Turkish Texts by Nasrollah Salehi, Tehran: Tahouīri Publishers, 1390. [in Persian]
- Salehi, Nasrollah (1388), "Sultan Murad IV's campaign to Yerevan and Tabriz: causes and results (1044-1045 A.H.)", Quarterly Journal of the History of Islam and Iran, Vol. 19, No.75, p.106-77. [in Persian]
- Salehi, Nasrollah (1399), "A comparative study of the reports of Iranian and Ottoman representatives in the negotiations of Erzurum (1259-1263 A.H.)", Quarterly Journal of Asia Minor Studies (Academy Special), vol. 10, 26-9. [in Persian]
- Salehi, Nasrollah (Spring 1386), "Iranian and Ottoman confrontation over Baghdad (1048-1049/1638-1639): causes and results", Historical Studies and Research Quarterly, Vol.

15. [in Persian]

Tafreshi, Abu al-Mafakher (1388), *Tārīk-e šāh Safī* (History of Iran's Developments in 1038-1052 A.H.), edited by: Mohsen Bahramnejad, Tehran: *Mirāṭ-e Maktūb*. [in Persian]

Vahīd Qazvīnī, Mīrzā Moḥammad Tāher (1383). *Tārīk-e jahān-Ārāy-e 'Abāsī*, edited by Seyed Saeed Mir Mohammad Sadegh, Tehran: Institute for Humanities and Cultural Studies. [in Persian]

Vale Qazvini Isfahani, Mohammad Yusuf (1382). Iran during the time of Reign of Shāh safī and šāh 'Abbās II (from 1628 until 1661 A.D) (6th and 7th Hadiqa of the 8th Rowzah) - *ḳold-e Barīn*, edited and Annotated by M. R. Nasiri, Tehran: Society for the Appreciation of Cultural Works and Dignitaries, Tehran. [in Persian]

Zarin Koob, Abdul Hossein (1362), *Tārīk dar Tarāzū*, Tehran: Amīrkabīr Publications Institute. [in Persian]



©2020 Alzahra University, Tehran, Iran. This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC-ND 4.0 license) (<https://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/>)

**Erzeroum Conference: The First Debates and Controversies about the  
Authenticity and Validity of the Zohab treaty (1843-1847)<sup>1</sup>**

Nasrollah Salehi<sup>2</sup>

Received: 2023/06/25

Accepted: 2023/09/28

**Abstract**

Iran-Ottoman relations were very vicissitudinous during six centuries. The two states concluded various agreements to end the war and establish peace. Among the treaties, the two treaties of Zohab (1639/1049) and Erzeroum (1847/1263) are very important. Because it was the basis for settling disputes and concluding subsequent agreements. Until the conference of Erzeroum (1259-1263), no doubts were expressed about the “originality and validity” of the Zohab Treaty. Iranian and Ottoman representatives for the first time, in the fifth session and later in several other sessions of Erzeroum negotiations, while accepting the "authenticity" of the treaty, engaged in a serious debate about the "originality and validity" of the existing copies. In this research, the arguments of the representatives of the parties regarding the originality and validity of the Zohab treaty have been explained using the descriptive-analytical method and relying on unpublished documents. The findings of the research show that Mirza Taghi Khan, insisting on the necessity of presenting the "original" of the treaty by the Ottoman representative, did not accept the "copies" presented by him and for this reason, it has prevented him from proving her territorial claims in Erzeroum negotiations.

**Keywords:** Zohab Treaty, Erzeroum conference, Mirza Taghi Khan, Envri Effendi, Iran, Ottoman

---

1. DOI: 10.22051/hii.2023.44240.2818

2. Department of History, Farhangian University, Tehran, Iran. [n.salehi@cfu.ac.ir](mailto:n.salehi@cfu.ac.ir)  
Print ISSN: 2008-885X/Online ISSN:2538-3493